



رؤسای محترم کانون‌های کارشناسان رسمی دادگستری

با سلام

به پیوست آیین رسیدگی به شکایات در هیأت‌مدیره، دادرها و دادگاه‌های انتظامی کانون کارشناسان رسمی دادگستری که در جلسه مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۱۳ شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری به تصویب رسیده و مطابق تبصره ۲ ماده ۷ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری و ماده ۲۲ آیین نامه اجرایی آن، برای کلیه کانون‌های کشور و مراجع مربوط لازم‌الرعايه است، ارسال و بدین وسیله ابلاغ می‌شود.

امید است با نظارت دقیق و صحیح بر نحوه اجرای آیین مذکور، ضمن تکریم ارباب رجوع، حقوق قانونی کارشناسان رسمی دادگستری پاس داشته شده و با ایجاد رویه واحد در کانون‌های سراسر کشور، شاهد رعایت کامل حقوق و شئون و حیثیت شغلی همکاران محترم باشیم. ع

طهماسب مظاهری
رئیس شورای عالی



آیین رسیدگی به شکایات در هیأت مدیره،

دادسرا و دادگاه های انتظامی کانون کارشناسان

رسمی دادگستری

مصوب ۱۳۰۰/۰۹/۱۳ شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری





فهرست مطالب

بخش اول - کلیات.....	۳
بخش دوم - ثبت شکایت و تشکیل پرونده، رسیدگی به شکایت انتظامی و تحقیقات مقدماتی.....	۵
فصل اول - ثبت شکایت و تشکیل پرونده.....	۵
فصل دوم - نحوه بررسی شکایت انتظامی در هیأت مدیره.....	۷
فصل سوم - دادسرا و دادستان انتظامی.....	۸
فصل چهارم - وظایف و اختیارات دادیار انتظامی.....	۱۱
مبحث اول - اختیارات دادیار انتظامی و حدود آن.....	۱۱
مبحث دوم - صلاحیت دادیار.....	۱۲
فصل پنجم - معاینه محل، تحقیق محلی، و کارشناسی.....	۱۳
فصل ششم - تحقیق از کارشناس مشتکی عنه، شهود و مطلعان.....	۱۵
مبحث اول - تحقیق از کارشناس مشتکی عنه.....	۱۵
مبحث دوم - دعوت و تحقیق از شهود و مطلعان.....	۱۸
فصل هفتم - اقدامات دادیار و دادستان انتظامی پس از ختم تحقیقات.....	۱۹
فصل هشتم - وظایف و اختیارات رئیس شورای عالی در نظارت بر دادسرا.....	۲۱
بخش سوم - نحوه رسیدگی به تخلف کارشناس مشتکی عنه در دادگاه‌های انتظامی و صدور رأی.....	۲۱
فصل اول - رسیدگی در دادگاه‌های انتظامی.....	۲۱
فصل دوم - ترتیب رسیدگی.....	۲۳
فصل سوم - صدور رأی.....	۲۴
فصل چهارم - رد اعضای دادگاه انتظامی.....	۲۵
بخش چهارم - اعتراض به آراء.....	۲۶
بخش پنجم - اجرای احکام انتظامی.....	۲۷
بخش ششم - ترتیب رسیدگی به شکایات واصله علیه اعضای هیأت مدیره، دادستان و بازرسان کانون استان‌ها.....	۲۸





آیین رسیدگی به شکایات در هیأت مدیره، دادسرا و دادگاه های انتظامی کانون کارشناسان رسمی دادگستری

این آیین رسیدگی در اجرای وظایف و اختیارات قانونی موضوع بند "ط" و قسمت اخیر بند "ز" ماده ۷ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری و با بهره گیری از رویه موجود و آیین های دادرسی حقوقی و کیفری و تطبیق آن ها با قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری و آیین نامه اجرایی آن و به منظور ایجاد وحدت رویه در رسیدگی به شکایات مطروحه در کانون کارشناسان رسمی دادگستری سراسر کشور، به تصویب شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری رسیده است:

بخش اول - کلیات

ماده ۱. اصطلاحات و واژه های به کار رفته در این آیین رسیدگی به شرح زیر تعریف می شوند:

الف. قانون: قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱/۰۱/۱۸ مجلس شورای اسلامی.

ب. آیین نامه اجرایی: آیین نامه اجرایی قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۲/۰۲/۰۷ هیأت وزیران.

پ. شورای عالی: شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری.

ت. کانون استان: کانون کارشناسان رسمی دادگستری که مطابق قانون، در مرکز استان های سراسر کشور تشکیل شده اند.

ث. هیأت مدیره: هیأت مدیره کانون استان که از ارکان بوده و وظایف آن به شرح ماده ۱۲ قانون است.

ج. دادسرا: دادرسی انتظامی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان که بر اساس ماده ۲۱ قانون، وظایف آن تعریف شده است.





چ. دادستان: دادستان انتظامی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان، که به موجب ماده ۲۱ قانون از بین کارشناسان رسمی کانون استان و به وسیله مجمع عمومی آن کانون، برای مدت چهار سال، انتخاب می شود.

ح. دادیار: کارشناس رسمی دادگستری که به موجب ماده ۲۱ قانون، به پیشنهاد دادستان و تأیید هیأت مدیره کانون به عنوان دادیار دادرسی انتظامی کارشناسان رسمی دادگستری استان، تعیین و انجام وظیفه می نماید.

خ. دادگاه: دادگاه انتظامی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان، که به موجب ماده ۲۳ قانون، مرجع رسیدگی به تخلفات انتظامی کلیه کارشناسان هر استان است.

د. دادگاه تجدیدنظر: مرجع تجدیدنظر نسبت به آراء صادره از سوی دادگاههای انتظامی کانونهای کارشناسان رسمی دادگستری سراسر کشور که در تهران مستقر است.

ذ. تخلف: تخلفات انتظامی مندرج در قسمت الف ماده ۲۶ قانون.

ر. مجازات: مجازاتهای انتظامی مندرج در قسمت ب ماده ۲۶ قانون.

ز. کارشناس مشتکی عنه: کارشناس رسمی غیر رکن و عضو کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان که بر اساس مقررات حاکم، صلاحیت وی تأیید شده و پروانه کارشناسی رسمی دادگستری از کانون استان مربوطه دریافت داشته و در حال فعالیت است و به لحاظ شکایت فرد یا افرادی یا در اجرای مواد ۲۵ و ۲۷ قانون، تحت رسیدگی انتظامی قرار می گیرد.

ژ. شاکی: شخص ذینفع حقیقی یا حقوقی که با تقدیم شکوائیه به هیأت مدیره اعلام می دارد کارشناس مشتکی عنه مرتکب تخلف یا تخلفات موضوع ماده ۲۶ قانون شده و تقاضای رسیدگی می نماید.

ماده ۲. این آیین رسیدگی، مجموعه مقررات و قواعدی است که به منظور تبیین نحوه رسیدگی به شکایات و تحقیقات مقدماتی، صدور رأی، اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات رسیدگی کننده و رعایت حقوق کارشناس مشتکی عنه و شاکی وضع می شود.





تبصره: با توجه به این که رسیدگی به شکایات علیه اعضای هیأت مدیره و دادستان و بازرسان کانون استان‌ها، در صلاحیت دادسرای انتظامی قضات است، لذا در اجرای ماده ۶۷ آیین‌نامه اجرایی، نحوه رسیدگی به این قبیل شکایات، به شرح بخش ششم این آیین رسیدگی خواهد بود.

ماده ۳. مراجع رسیدگی باید با بی طرفی و استقلال کامل به شکایات واصله علیه کارشناس مشتکی عنه و تخلف انتسابی به وی، در کوتاه‌ترین زمان ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و هر اقدامی را که باعث تسریع و دقت در فرایند رسیدگی می‌شود انجام دهند.

ماده ۴. هیأت مدیره کانون استان باید در اسرع وقت، موضوع شکایت و ادله شاکی را به اطلاع و آگاهی کارشناس مشتکی عنه برسانند و وی را از حق دسترسی به حقوق دفاعی مذکور در این آیین رسیدگی بهره‌مند سازند.

ماده ۵. کارشناس مشتکی عنه، شاکی و سایر افراد ذیربط باید از حقوق خود در فرایند رسیدگی آگاه شوند و ساز و کارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.

ماده ۶. رسیدگی و تعقیب انتظامی که طبق قانون شروع شده است، و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر:

الف. فوت کارشناس مشتکی عنه.

ب. نسخ مجازات قانونی.

پ. اعتبار امر مختوم.

بخش دوم - ثبت شکایت و تشکیل پرونده، رسیدگی به شکایت انتظامی و تحقیقات مقدماتی

فصل اول - ثبت شکایت و تشکیل پرونده

ماده ۷. دبیرخانه کانون استان می‌بایستی شکایت کتبی شاکی و مستندات وی را دریافت و ثبت کرده، به شاکی رسید تحویل داده و به فوریت پرونده را نزد هیأت مدیره ارسال کند.





تبصره ۱: دبیرخانه کانون استان، شاکی را از حق بهره‌مندی از حقوق قانونی موجود و مراحل لازم الرعایه برای پیگیری قانونی پرونده آگاه می‌کند.

تبصره ۲: افشاء اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت شاکی، شهود، مطلعان، و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط کلیه کارکنان کانون، جز در موارد قانونی، اکیداً ممنوع است.

تبصره ۳: در صورت استرداد شکایت تا قبل از اتخاذ تصمیم هیأت مدیره کانون استان، سابقه بایگانی شده و مراتب به شاکی و هیأت مدیره اعلام می‌گردد.

ماده ۸: شاکی خصوصی می‌تواند شخصاً یا توسط وکیل شکایت کند. در شکواییه موارد زیر باید قید شود:

الف. نام و نام خانوادگی، شماره ملی، نشانی دقیق به همراه کدپستی و در صورت امکان نشانی پیام‌نگار (ایمیل)، شماره تلفن ثابت و تلفن همراه شاکی.

ب. موضوع شکایت، با ذکر این که شکایت مربوط به کدام یک از بندهای تخلفات مندرج در ماده ۲۶ قانون است.

پ. شماره و تاریخ گزارش کارشناسی مربوط، به انضمام تصویری از آن.

ت. اسامی، مشخصات و نشانی شهود و مطلعان حسب مورد و در صورت ضرورت و تمایل.

ث. مشخصات کارشناس مشتکی‌عنه یا کارشناسان مشتکی‌عنهم به شرح زیر:

نام و نام خانوادگی و شماره پروانه کارشناسی.

در صورت عدم درج شماره پروانه در گزارش کارشناسی مربوطه، آن شماره، از سوی دبیرخانه در شکواییه منعکس خواهد شد.

تبصره ۱: در صورتی که اقامه شکایت از طرف وکیل باشد، وکیل باید دارای وکالت‌نامه رسمی از طرف شاکی یا شکات باشد که در آن به اختیار شکایت انتظامی علیه کارشناس رسمی دادگستری تصریح شده باشد. در این صورت وکالت‌نامه رسمی وکیل نیز به ضمیمه شکواییه دریافت و در سوابق پرونده ثبت و ضبط خواهد شد.





تبصره ۲: شورای عالی اوراق متحدالشکلی مشتمل بر نکات کلیدی که مطابق این ابلاغیه باید در لایحه شاکی درج شود تهیه و به کانون استان ارسال می‌کند تا در اختیار مراجعان قرار گیرد و در تنظیم شکوائیه مورد استفاده قرار دهند. بدیهی است عدم استفاده از اوراق مزبور مانع استماع و رسیدگی شکایت نیست.

فصل دوم- نحوه بررسی شکایت انتظامی در هیأت مدیره

ماده ۹. هیأت مدیره در اجرای وظیفه موضوع ماده ۱۲ قانون و در اولین جلسه پس از وصول شکوائیه، مفاد شکایت مطروحه را بررسی کرده و به شرح مواد این فصل و حداکثر ظرف دو ماه اقدام می‌کند.

تبصره: هیأت مدیره می‌تواند بررسی مقدماتی شکایات را به کمیسیون‌های تخصصی ارجاع دهد. در هر صورت اتخاذ تصمیم نسبت به قبول یا رد اولیه شکایت، توسط هیأت مدیره به عمل خواهد آمد.

ماده ۱۰. در صورتی که شکایت واصله مبهم، نامفهوم، یا ضمایم آن ناقص باشد، هیأت مدیره توضیح نکاتی را که باید رفع ابهام یا تکمیل شود، به طریق مقتضی، کتباً به شاکی ابلاغ می‌کند تا وی ظرف مدت ۱۰ روز کاری از تاریخ ابلاغ، حسب مورد نسبت به رفع ابهام یا رفع نقص اقدام نماید. در هر حال هیأت مدیره پس از سپری شدن آن مهلت، براساس متن تکمیلی و توضیحی شاکی، یا در صورت عدم ارسال پاسخ از طرف شاکی، براساس متن اولیه شاکی، شکایت واصله را بررسی و در مورد آن، نظر خود را اعلام می‌نماید.

ماده ۱۱. هیأت مدیره لایحه و توضیحات تکمیلی شاکی را به نحو محرمانه و به طریق مقتضی به کارشناس مشتکی‌عنه ابلاغ می‌کند تا وی ظرف مدت ۱۰ روز کاری، لایحه دفاعیه خود را تسلیم هیأت مدیره کند. در صورت عدم وصول لایحه دفاعیه کارشناس مشتکی‌عنه در مهلت مقرر، هیأت مدیره مهلت مذکور را برای یک نوبت دیگر تمدید و مراتب را مجدداً به کارشناس مشتکی‌عنه ابلاغ می‌کند. در انقضای مهلت دوم و در صورت عدم وصول لایحه دفاعیه، هیأت مدیره به شرح ماده آتی اقدام خواهد کرد.

ماده ۱۲. هیأت مدیره پس از وصول لایحه دفاعیه کارشناس مشتکی‌عنه، چنانچه اقدامات انجام شده را برای اتخاذ تصمیم کافی تشخیص دهد، وارد شور شده و با رعایت نصاب قسمت اخیر ماده ۱۰ قانون، نظر و تصمیم خود را درباره قبول یا رد شکایت، اعلام خواهد نمود.





ماده ۱۳. چنانچه هیأت مدیره، اقدامات انجام شده و نکات مطرح در لوایح طرفین را کافی تشخیص ندهد، جهت تکمیل پرونده، دستوراتی از قبیل اخذ نظر کارشناسی، انجام استعلام از مراجع قانونی و قضایی صادر می‌کند تا حداکثر ظرف مدت یک ماه، پرونده تکمیل و به نظر اعضای هیأت مدیره برسد.

ماده ۱۴. اتخاذ تصمیم هیأت مدیره در قبول شکایت، مستلزم استماع توضیحات حضوری کارشناس مشتکی‌عنه بوده و چنانچه لازم تشخیص دهند، به طور جداگانه توضیحات شاکی را نیز استماع خواهند کرد. کارشناس مشتکی‌عنه نیز حق دارد در هیأت مدیره یا کمیسیون‌های تخصصی، توضیحات حضوری ارائه دهد. عدم تمایل کارشناس به استفاده از این حق، مانع بررسی نخواهد بود.

تبصره: در مواردی که انتساب یک تخلف به کارشناس، در اجرای بند ه ماده ۱۲ قانون، و از طریق غیر از مراجعه و طرح شکایت توسط شاکی انجام شود، هیأت مدیره موظف است قبل از اعلام تخلف به دادسرا، توضیحات حضوری کارشناس مذکور را استماع کند.

ماده ۱۵. در صورتی که نظر هیأت مدیره بر قبول شکایت باشد، تصمیم هیأت مدیره ظرف مدت یک هفته برای تعقیب کارشناس مشتکی‌عنه به دادسرا ارجاع و مراتب به شاکی و کارشناس مشتکی‌عنه اعلام می‌گردد. در صورت تصمیم هیأت مدیره مبنی بر رد شکایت، آن تصمیم به نحو مقتضی به شاکی ابلاغ شده و یادآور می‌شود که شاکی می‌تواند ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ، به نظر هیأت مدیره اعتراض کند و ادامه رسیدگی در دادسرای انتظامی خواهد بود.

فصل سوم - دادسرا و دادستان انتظامی

ماده ۱۶. دادسرای انتظامی بر اساس قانون و در معیت دادگاه انتظامی کانون استان، مسئول رسیدگی به شکایات ارجاعی، تعقیب تخلفات، انجام تحقیقات و اتخاذ تصمیم قانونی شایسته اعم از صدور کیفرخواست یا قرار منع تعقیب است.

ماده ۱۷. دادسرا به ریاست دادستان تشکیل می‌شود و کانون استان به تعداد لازم دادیار و کارمند اداری در اختیار آن قرار خواهد داد.





تبصره: در اجرای تبصره ذیل ماده ۶۸ آیین نامه اجرایی، دادستان می تواند با رعایت شرایط مقرر، یک معاون نیز داشته باشد. ایفای وظایف دادستان، در غیاب وی یا در مواردی که دادستان به لحاظ موضوع شکایت مطروحه، معذور از رسیدگی باشد، بر عهده معاون دادستان است.

ماده ۱۸. دادیاران و کارکنان اداری دادسرا، حسب مورد، موظف هستند تحت نظارت و تعلیمات دادستان در خصوص تخلف انتسابی، جمع آوری ادله وقوع تخلف، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و تصمیمات انتظامی مربوطه، بر اساس ضوابط مندرج در قانون و آیین نامه اجرایی، و رعایت روش های مندرج در این آیین رسیدگی، اقدام کنند.

تبصره: دادستان هر استان، به منظور کسب مهارت و ایفای وظایف قانونی برای دادیاران و کارکنان اداری، به طور مستمر دوره های آموزشی لازم را برگزار می نماید. شورای عالی هر ساله، متناسب با مقتضیات و مسائل مبتلابه آن سال، برنامه و سرفصل های آموزشی را تدوین و به کانون های سراسر کشور ابلاغ خواهد کرد.

ماده ۱۹. دادستان به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف محوله، واحدهای مربوط را حداقل سالی یک بار مورد بازرسی قرار می دهد و ضمن صدور دستورهای لازم، گزارش آن را برای شورای عالی ارسال می کند.

ماده ۲۰. دادیاران و کارکنان اداری دادسرا مکلفند نسبت به انجام دستورها و تکمیل پرونده ها براساس دستور دادستان و در مهلتی که دادستان تعیین می کند، اقدام نمایند.

تبصره: چنانچه اجرای دستور یا تکمیل پرونده میسر نشود، دادیار یا کارمند اداری مربوطه، باید در پایان مهلت تعیین شده، گزارش آن را با ذکر علت برای دادستان ارسال کند.

ماده ۲۱. دادیاران دادسرا نتیجه اقدامات خود را به دادستان اطلاع می دهند، چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، می تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای تکمیل تحقیقات به عمل آورند.

ماده ۲۲. دادیاران دادسرا مکلفند اظهارات کارشناس مشتکی عنه، علت شروع تحقیقات، تاریخ و ساعت آغاز و مدت تحقیقات، را در صورت مجلس قید کنند و به امضای وی برسانند. در صورت امتناع کارشناس مشتکی عنه از امضای صورت مجلس تحقیقات، مراتب در ذیل صورت مجلس منعکس شده و به امضای دادیار و کارکنان حاضر خواهد رسید.





ماده ۲۳. کارکنان اداری دادسرا مکلفند اوراق تحقیقات و سایر مدارک پرونده را شماره گذاری و ممهور به مهر مخصوص آن دادستانی نمایند، و در صورت مجلسی که برای دادستان ارسال می کنند، تعداد کل اوراق پرونده را مشخص کنند.

تبصره ۱: رعایت مفاد این ماده در خصوص شماره گذاری اوراق پرونده توسط کارکنان اداری دادسرا و دادگاه انتظامی، الزامی است.

تبصره ۲: به منظور تشکیل بانک اطلاعات انتظامی و حفظ اسناد و مدارک مربوط به سوابق انتظامی کارشناسان، هیأت مدیره کانون هر استان، مکلف است ظرف مدت یک سال از تاریخ لازم الاجرا شدن، نسبت به اسکن نمودن سوابق انتظامی کارشناسان برای دوره ی ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ اقدام نمایند و یک نسخه را برای شورای عالی ارسال نمایند.

ماده ۲۴. دادیار و دادستان انتظامی باید در انجام تحقیقات از اجبار کارشناس یا شاکی، یا استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال کننده و سؤالات خارج از موضوع تخلف انتظامی خودداری کنند. اظهارات کارشناس مشتکی عنه یا شاکی در پاسخ به چنین سؤالاتی یا اظهاراتی که ناشی از اجبار بوده باشد، معتبر نیست.

ماده ۲۵. هزینه های ناشی از انجام وظایف دادسرا تماماً به عهده کانون استان است. تحمیل این هزینه ها، به کارشناس مشتکی عنه، تحت هر عنوان، ممنوع است.

تبصره: در صورتی که به تشخیص دادستان، انجام کارشناسی ضرورت داشته باشد، هزینه کارشناسی از شمول ممنوعیت این ماده خارج بوده و پرداخت آن به عهده شاکی خواهد بود.

ماده ۲۶. جهات قانونی شروع به رسیدگی و تعقیب انتظامی در دادسرا به شرح زیر است:

الف. ارجاع شکایت شاکی توسط هیأت مدیره موضوع بند "د" ماده ۱۲ قانون.

ب. اعلام تخلف توسط هیأت مدیره در صورت اطلاع از وقوع تخلف کارشناس موضوع بند "ه" ماده ۱۲ قانون.

پ. اعتراض شاکی به رد شکایت در هیأت مدیره موضوع تبصره بند د ماده ۱۲ قانون.





ت. رسیدگی به تخلفات موضوع ماده ۲۵ قانون ظرف سه ماه و از تاریخ وصول حکم تعلیق موقت و ارسال پرونده به دادگاه.

ماده ۲۷. در اموری که از طرف دادستان به معاون دادستان یا دادیار ارجاع می‌شود، آنان در امور محوله، تمام وظایف و اختیارات دادستان را دارند و تحت تعلیمات و نظارت او انجام وظیفه می‌کنند.

فصل چهارم - وظایف و اختیارات دادیار انتظامی

مبحث اول - اختیارات دادیار انتظامی و حدود آن

ماده ۲۸. تحقیقات مقدماتی توسط دادیار، پس از ارجاع دادستان شروع می‌شود.

ماده ۲۹. تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد. کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار شغلی و حرفه ای هستند.

ماده ۳۰. دادیار باید در کمال بی‌طرفی و در حدود اختیارات قانونی به سرعت و مستمراً، تحقیقات را انجام دهد و در کشف اوضاع و احوالی که به سود یا زیان کارشناس مشتکی‌عنه یا شاکی است فرق نگذارد.

ماده ۳۱. انتشار اخبار و اطلاعات مربوط به هویت کارشناس مشتکی‌عنه و پرونده متشکله در کلیه مراحل ممنوع است. هیأت مدیره کانون استان، در راستای حفظ حیثیت شغلی و آبروی شخصی کارشناس مشتکی‌عنه، تمهیدات لازم را به کار گرفته و با افراد خاطی برخورد قاطع و مناسب به عمل خواهد آورد.

ماده ۳۲. شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، علاوه بر اظهار ادله خود و حضور در تحقیقات، در صورت نیاز و با تشخیص دادستان، شهود خود را نیز معرفی کند.

تبصره: ارائه اسناد و مدارک طبقه‌بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات، به شاکی ممنوع است.

ماده ۳۳. دادیار مکلف است تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به اطلاعات فردی شاکی و کارشناس مشتکی‌عنه (از قبیل نام و نام خانوادگی، نشانی و شماره تلفن) اتخاذ کند. این امر در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز، به تشخیص رئیس دادگاه و با رعایت مصالح طرفین، اعمال می‌شود.

تبصره: دادیار مکلف است عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی را به شاهد یا شاهدان تذکر دهد.





ماده ۳۴. دادیار مکلف است پیش از اخذ مرخصی، عزیمت به مأموریت، انتقال و مانند این‌ها، نسبت به پرونده‌هایی که به وی ارجاع شده اقدام قانونی لازم را انجام دهد و گزارش لازم را به طور کتبی به دادستان تسلیم کند.

ماده ۳۵. نوشتن بین سطور، قلم خوردگی، و تراشیدن کلمات در اوراق تحقیقات ممنوع است. اگر یک یا چند کلمه حذف یا اضافه گردد باید بر رو یا ذیل آن خط نازکی کشیده و توضیح داده شود و دادیار و شخصی که تحقیق از او به عمل می‌آید، آن را امضاء کنند. همچنین اگر یک یا چند کلمه از قلم افتاده و در حاشیه نوشته شود، اشخاص یادشده باید زیر آن را امضاء کنند. هرگاه این ترتیب رعایت نشود، کلمات و خطوط مزبور فاقد اعتبار است. رعایت مقررات این ماده در تمام مراحل رسیدگی الزامی است. در صورت قلم خوردگی جزئی، موضوع باید در ذیل برگه توضیح داده شود و به امضاء اشخاص فوق برسد.

مبحث دوم - صلاحیت دادیار

ماده ۳۶. دادیار در حوزه کانون استان با رعایت مفاد قانون، آیین‌نامه اجرایی و این آیین رسیدگی ایفای وظیفه می‌کند و در صورت وجود جهات قانونی شروع به تحقیق می‌نماید.

ماده ۳۷. هرگاه تحقیق از کارشناس مشتکی‌عنه، استماع شهادت شهود و مطلع، معاینه محل، و به طور کلی هر اقدام دیگری خارج از حوزه کانون استان لازم شود، دادستان استان می‌تواند رأساً اقدام نماید و یا اینکه با صدور قرار نیابت، و ارسال اصل یا تصویر اوراق مورد نیاز پرونده و تصریح موارد، انجام آن‌ها را از هیأت مدیره کانون استان دیگر، تقاضا کند. در صورت قبول هیأت مدیره آن استان، دادستان کانون استان مرجوع‌الیه، در حدود مفاد نیابت اعطائی، موضوع نیابت را انجام می‌دهد و اوراق تنظیمی را، پس از امضاء، و تصویربرداری از آن‌ها جهت حفظ در سوابق کانون استان مرجوع‌الیه به همراه سایر مدارک به دست آمده نزد مرجع نیابت‌دهنده می‌فرستد.

تبصره: مسئولیت نیابت در حوزه کانون استان نایب، به عهده دادستان مذکور است و قابل ارجاع به دادیار نیست.





فصل پنجم - معاینه محل، تحقیق محلی، و کارشناسی

ماده ۳۸. هرگاه برای کشف حقیقت و روشن شدن موضوع، تحقیق محلی یا معاینه محل ضرورت یابد یا کارشناس مشتکی عنه یا شاکی درخواست نمایند، دادیار با تشخیص و موافقت دادستان، اقدام به تحقیقات محلی یا معاینه محل می کند.

ماده ۳۹: هنگام معاینه محل، اشخاصی که در امر رسیدگی انتظامی شرکت دارند می توانند حاضر شوند، اما عدم حضور آنان، مانع از انجام معاینه نیست. هرگاه حضور کارشناس مشتکی عنه یا سایر اشخاصی که در امر رسیدگی انتظامی شرکت دارند در هنگام معاینه محل ضروری باشد، مکلفند به دستور دادیار در محل حاضر شوند.

ماده ۴۰. هنگام تحقیق محلی و معاینه محل، تمام آثار و نشانه های مشهود و مکشوف که به نحوی در قضیه مؤثر است، به دستور دادیار در صورت مجلس قید می شود و به امضای اشخاص دخیل در موضوع می رسد.

ماده ۴۱. دادیار هرگاه لازم بداند و ابزار کار فراهم باشد، نسبت به ترسیم کروکی، عکسبرداری، و فیلمبرداری از محل اقدام و دستورهای لازم را صادر می کند.

ماده ۴۲. هرگاه دادیار رأساً یا به تقاضای یکی از طرفین، انجام کارشناسی را ضروری بداند، با موافقت دادستان قرار ارجاع امر به کارشناسی را صادر می کند. دادیار باید موضوعی را که جلب نظر کارشناس نسبت به آن لازم است را به طور دقیق تعیین کند.

تبصره: پرداخت دستمزد کارشناس منتخب به عهده شاکی است.

ماده ۴۳. دادیار، کارشناس را به قید قرعه از میان کارشناسان رسمی دادگستری دارای صلاحیت در رشته مربوط انتخاب می کند. در صورت تعدد کارشناسان، عده منتخبان باید فرد باشد تا به هنگام اختلاف نظر، نظر اکثریت ملاک عمل قرار گیرد.

تبصره: اگر حوزه ای فاقد کارشناس رسمی دادگستری است یا به تعداد کافی کارشناس رسمی دادگستری ندارد یا در دسترس نیست، دادیار می تواند از میان کارشناسان رسمی آن رشته در حوزه قضائی مجاور انتخاب کند.

ماده ۴۴. دستمزد کارشناس منتخب مطابق تعرفه مصوب خواهد بود.





ماده ۴۵. کارشناس منتخب از سوی دادیار، مکلف به انجام موضوع کارشناسی است، مگر آن که به تشخیص دادیار و مطابق با مقررات مصوب شورای عالی، عذر موجه داشته باشد یا موضوع از موارد رد کارشناس محسوب شود که در این صورت، کارشناس منتخب باید پیش از اقدام به کارشناسی، مراتب را به طور کتبی به دادیار اعلام دارد.

تبصره: جهات رد کارشناس منتخب همان جهات رد دادرسی است.

ماده ۴۶. دادیار هنگام ارجاع موضوع به کارشناس یا کارشناسان منتخب، مهلت معین را برای اعلام نظر وی مشخص می کند. در مواردی که اظهار نظر، مستلزم زمان بیشتر باشد، کارشناس باید ضمن تهیه و ارسال گزارشی از اقدامات انجام شده، با ذکر دلیل، تقاضای تمدید مهلت کند که در این صورت، دادیار می تواند مهلت را تمدید کند.

ماده ۴۷. پس از پرداخت دستمزد توسط شاکی، به کارشناس منتخب اعلام می شود که ظرف مهلت تعیین شده در قرار کارشناسی، نظر خود را تقدیم کند. مراتب وصول نظر کارشناس به طرفین ابلاغ می شود. طرفین می توانند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ، برای ملاحظه نظریه کارشناس یا کارشناسان منتخب به دفتر دادسرا مراجعه و نظر خود را درباره مفاد نظریه به طور کتبی اعلام کنند.

ماده ۴۸. در صورت نقص نظریه کارشناسی یا ضرورت اخذ توضیح از کارشناس یا کارشناسان منتخب، دادیار موارد لازم را در صورت مجلس درج و به کارشناس اعلام می کند و او را برای ادای توضیح دعوت می نماید.

تبصره: هرگاه پس از اخذ توضیحات، دادیار نظریه کارشناسی را ناقص تشخیص دهد، قرار تکمیلی صادر و اجرای قرار را به همان کارشناس یا کارشناسان دیگر محول می کند.

ماده ۴۹. اگر یکی از کارشناسان در موقع رسیدگی و مشاوره حاضر باشد، اما بدون عذر موجه از اظهار نظر یا حضور در جلسه یا امضای نظریه کارشناسی امتناع کند، نظر اکثریت ملاک عمل است. عدم حضور غیرموجه کارشناس یا امتناع وی از اظهار نظر یا امضاء باید از طرف کارشناسان دیگر صورت مجلس شود. در این صورت، دادیار باید مراتب را به هیأت مدیره کانون استان ذیربط گزارش نماید.

ماده ۵۰. هرگاه نظریه کارشناس منتخب به نظر دادیار محل تردید باشد یا، در صورت تعدد کارشناسان، میان نظریه آنان اختلاف باشد، دادیار می تواند تا دو بار دیگر از سایر کارشناسان به هزینه شاکی دعوت به عمل آورد.





فصل ششم - تحقیق از کارشناس مشتکی عنه، شهود و مطلعان

مبحث اول - تحقیق از کارشناس مشتکی عنه

ماده ۵۱. دعوت از کارشناس مشتکی عنه به وسیله احضاریه کتبی به عمل می آید. احضاریه در دو نسخه تنظیم می شود که یک نسخه آن به کارشناس مشتکی عنه ابلاغ می گردد و نسخه دیگر، پس از امضای کارشناس مشتکی عنه به قانون استان مسترد می شود تا در پرونده ضبط گردد.

تبصره: در احضاریه، نام و نام خانوادگی احضار شونده، تاریخ، ساعت، محل حضور، علت احضار، قید می شود و به امضای دادستان می رسد.

ماده ۵۲. فاصله میان ابلاغ اوراق احضاریه و زمان حضور نباید کمتر از پنج روز کاری باشد. روز ابلاغ و همچنین روز اقدام، جزء مدت محسوب نمی شود.

ماده ۵۳. در صورت ایجاد شبکه اینترنتی و امکان برقراری ارتباط میان قانون های سراسر کشور و کارشناسان رسمی دادگستری، دعوت به صورت اینترنتی و با رعایت مقررات این آیین رسیدگی به عمل خواهد آمد.

ماده ۵۴. استفاده از سامانه های (سیستم های) رایانه ای و مخابراتی، از قبیل پیام نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور و نمابر برای طرح شکایت، ارجاع پرونده، احضار کارشناس مشتکی عنه، ابلاغ اوراق با رعایت مقررات راجع به رسیدگی الکترونیکی، مورد تأکید بوده و در اولویت پیگیری است.

ماده ۵۵. سایر ترتیبات و قواعد ابلاغ احضاریه و دیگر اوراق مرتبط، بر اساس قانون آیین دادرسی مدنی صورت می گیرد.

ماده ۵۶. کارشناس مشتکی عنه مکلف است در موعد مقرر در محل تعیین شده حاضر شود و اگر نتواند باید عذر موجه خود را به صورت مکتوب اعلام کند و رسید بگیرد. جهات زیر عذر موجه محسوب می شود:

الف. نرسیدن یا دیر رسیدن احضاریه به گونه ای که مانع از حضور شود.

ب. بیماری کارشناس مشتکی عنه و بیماری سخت والدین، همسر یا اولاد وی که مانع از حضور شود.

پ. فوت همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم.





ت. ابتلاء به بیماری‌های مهم از قبیل بیماری‌های واگیردار و بروز حوادث قهری مانند سیل و زلزله که موجب عدم امکان تردد شود، و همچنین تعطیلی‌های اعلام شده از طرف دولت، ناشی از گرما یا سرمای شدید و تعطیلات ناشی از همه‌گیری‌ها.

ث. سایر مواردی که عرفاً به تشخیص دادیار عذر موجه محسوب می‌شود از جمله در مأموریت (اداری یا تحصیلی) بودن کارشناس مشتکی‌عنه.

تبصره: در سایر موارد، کارشناس مشتکی‌عنه می‌تواند برای یک‌بار، پیش از موعد تعیین شده، دادیار را از علت عدم حضور خود مطلع سازد و موافقت وی را اخذ نماید که در این مورد، دادیار می‌تواند وقت رسیدگی را تجدید و ابلاغ کند و یا وقت فوق‌العاده تعیین و به نحو مقتضی به کارشناس ابلاغ گردد.

ماده ۵۷. کارشناس مشتکی‌عنه اگر بدون عذر موجه حضور نیابد متخلف محسوب و جداگانه به این تخلف رسیدگی خواهد شد.

تبصره: در صورتی که احضاریه ابلاغ قانونی شده باشد و دادیار احتمال دهد که کارشناس مشتکی‌عنه از احضاریه مطلع نشده است، وی را یک‌بار دیگر احضار می‌نماید.

ماده ۵۸. هرگاه شخصی که دستور احضار او داده شده به علت بیماری، کهولت سن، یا معاذیری که دادیار موجه تشخیص می‌دهد، نتواند نزد دادیار حاضر شود، در صورت اهمیت و فوریت امر انتظامی و امکان انجام تحقیقات، دادیار نزد او می‌رود و تحقیقات لازم را به عمل می‌آورد.

ماده ۵۹. تحقیق از شاکی و کارشناس مشتکی‌عنه غیرعلنی و انفرادی است.

ماده ۶۰. دادیار ابتداء اوراق هویت کارشناس مشتکی‌عنه را ملاحظه می‌نماید و سپس مشخصات وی شامل نام، نام خانوادگی، شماره پروانه کارشناسی، سابقه انتظامی در موارد ضروری و مرتبط، همچنین نشانی محل سکونت و محل کار، کدپستی، شماره ملی، پیام‌نگار (ایمیل) و شماره تلفن ثابت و همراه او را به طور دقیق پرسش می‌کند، به نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق به کارشناس مشتکی‌عنه به آسانی مقدور باشد.

ماده ۶۱. دادیار در ابتدای تحقیق به کارشناس مشتکی‌عنه توضیح می‌دهد محل اقامتی که اعلام می‌نماید، محل اقامت قانونی او است و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد، باید محل جدید را به گونه‌ای که ابلاغ ممکن باشد اعلام کند. در غیر این صورت، احضاریه‌ها و سایر اوراق به محل اقامت اعلام شده قبلی فرستاده





می‌شود. تغییر محل اقامت به منظور تأخیر و تعلل به گونه‌ای که ابلاغ اوراق دشوار باشد، پذیرفته نیست و تمام اوراق در همان محل اعلام شده قبلی ابلاغ می‌شود. تشخیص تغییر محل به منظور تأخیر و تعلل، با مقامی است که به تخلف یا شکایت رسیدگی می‌کند.

ماده ۶۲. دادیار پیش از شروع به تحقیق، با توجه به حقوق کارشناس مشتکی‌عنه، موضوع تخلف یا شکایت و ادله آن را به شکل صریح به او توضیح می‌دهد. و آن‌گاه شروع به پرسش می‌کند. پرسش‌ها باید مفید، روشن، مرتبط با شکایت یا تخلف و در محدوده آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار کارشناس مشتکی‌عنه ممنوع است.

ماده ۶۳. عدم رعایت مقررات مواد (۶۰) تا (۶۲) این آیین‌رسیدگی، سوء رفتار تلقی می‌شود.

ماده ۶۴. کارشناس مشتکی‌عنه می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود.

ماده ۶۵. دادیار جز در موارد مواجهه حضوری، از کارشناسان مشتکی‌عنه به نحو انفرادی تحقیق می‌کند.

ماده ۶۶. پاسخ پرسش‌ها باید توسط کارشناس مشتکی‌عنه نوشته شده و به امضای او برسد. مگر آن که نخواهد از این حق استفاده کند.

ماده ۶۷. دادیار برای شاکی، شاهد و مطلعی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، به هزینه شاکی، مترجم مورد وثوق از میان مترجمان رسمی، و در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی، مترجم دیگری که مورد وثوق خودش باشد تعیین می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانت‌داری را رعایت کند. عدم اتیان سوگند سبب عدم پذیرش ترجمه مترجم مورد وثوق نیست.

ماده ۶۸. دادیار برای شاکی، شاهد و مطلعی که ناشنواست یا قدرت تکلم ندارد، به هزینه شاکی فرد مورد وثوق خود را که توانایی بیان مقصود از طریق اشاره یا وسایل فنی دیگر دارد، به عنوان مترجم انتخاب می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانت‌داری را رعایت کند. چنانچه افراد مذکور قادر به نوشتن باشند، دادیار سؤال را برای آنان می‌نویسد تا به طور کتبی پاسخ دهند.

ماده ۶۹. در جریان رسیدگی به تخلفات انتسابی موضوع بندهای ۱۱، ۱۲، ۱۳ قسمت الف ماده ۲۶ قانون و همچنین در مواردی که بیم فقدان شرایط موضوع ماده ۱۵ قانون وجود دارد، دادستان مکلف است در حین





انجام تحقیقات، به قید فوریت مراتب را به هیأت مدیره گزارش نماید. در این صورت جلسه فوق العاده هیأت مدیره تشکیل و مطابق با ماده ۲۷ قانون، اقدام خواهد نمود.

مبحث دوم - دعوت و تحقیق از شهود و مطلعان

ماده ۷۰. دعوت از شهود و مطلعان صرفاً اختصاص به شکایاتی دارد که راجع به بندهای ۴، ۵ و ۱۲ قسمت الف ماده ۲۶ قانون باشد.

ماده ۷۱. دادیار به تشخیص خود، یا با معرفی شاکی، یا به تقاضای کارشناس مشتکی عنه، شخصی که حضور یا تحقیق از وی را برای روشن شدن موضوع ضروری تشخیص دهد، برابر مقررات دعوت می کند.

ماده ۷۲. تحقیق از شهود و مطلعان قبل از رسیدگی در دادگاه، غیرعلنی است. دادیار از هر یک از شهود و مطلعان جداگانه و بدون حضور کارشناس مشتکی عنه تحقیق می کند و به امضاء یا اثر انگشت آنان می رساند.

ماده ۷۳. دادیار پیش از شروع به تحقیق، حرمت و مجازات شهادت دروغ و کتمان شهادت را به شاهد توضیح می دهد و نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیلات، مذهب، محل اقامت، پیام نگار (ایمیل)، شماره تلفن ثابت و همراه و سابقه محکومیت کیفری و درجه قرابت سببی یا نسبی و وجود یا عدم رابطه خادم و مخدومی شاهد یا مطلع با طرفین پرونده را می پرسد و در صورت مجلس قید می کند.

ماده ۷۴. اظهارات شهود و مطلعان در صورت مجلس قید می شود، سپس متن آن قرائت می گردد و به امضاء یا اثر انگشت شاهد یا مطلع می رسد و چنانچه از ادای شهادت یا امضاء یا ثبت اثر انگشت امتناع کند یا قادر به انجام آن نباشد، مراتب در صورت مجلس قید می شود و تمام صفحات صورت مجلس به امضای دادیار می رسد.

تبصره: دادیار مکلف است از شاهد یا مطلع علت امتناع از امضاء یا اثر انگشت یا ادای شهادت را بپرسد و پاسخ را در صورت مجلس قید کند.

ماده ۷۵. در صورتی که شاهد یا مطلع به عللی از قبیل بیماری یا کهولت سن نتواند حاضر شود یا تعداد شهود یا مطلعان زیاد و در یک یا چند محل باشند و همچنین هرگاه اهمیت و فوریت امر اقتضاء کند، دادیار در محل حضور می یابد و تحقیق می کند.





فصل هفتم - اقدامات دادیار و دادستان انتظامی پس از ختم تحقیقات

ماده ۷۶. پس از انجام تحقیقات لازم و اعلام کفایت و ختم تحقیقات، دادیار مکلف است به صورت مستدل و مستند، عقیده خود را حداکثر ظرف پنج روز کاری اعلام کند.

ماده ۷۷. دادستان در صورت تخلف بودن عمل ارتكابی و وجود ادله کافی برای انتساب تخلف به کارشناس مشتکی عنه، کیفرخواست صادر می نماید. کیفرخواست، به دادگاه انتظامی ارسال و یک نسخه از آن ظرف مدت ۱۰ روز و به وسیله پست سفارشی پیشتاز به کارشناس مشتکی عنه ابلاغ می شود. کارشناس مذکور می تواند ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ پاسخ خود را کتباً از طریق دفتر هیأت مدیره یا مستقیماً به دفتر دادگاه انتظامی تسلیم نماید.

ماده ۷۸. چنانچه دادستان تحقیقات دادیار را کامل نداند، صرفاً مواردی را که برای تکمیل تحقیقات لازم است به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در پرونده درج می کند و تکمیل آن را از دادیار می خواهد. در این صورت، دادیار مکلف به تکمیل تحقیقات است.

ماده ۷۹. در صورتی که عقیده دادستان بر تخلف انتظامی کارشناس مشتکی عنه باشد، حداکثر ظرف پنج روز با صدور کیفرخواست پرونده را به دادگاه انتظامی ارسال می کند.

ماده ۸۰. در صورت تخلف نبودن اقدامات کارشناس مشتکی عنه یا فقدان ادله کافی برای انتساب تخلف به وی، دادستان قرار منع تعقیب صادر و مراتب را به شاکی و رئیس هیأت مدیره ابلاغ می کند. قرار منع تعقیب صادره ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ، از طرف شاکی یا رئیس هیأت مدیره قابل اعتراض در دادگاه انتظامی است.

ماده ۸۱. هرگاه پرونده برای تکمیل تحقیقات به دادرسی اعاده شود، دادرسی پس از انجام تحقیقات موردنظر دادگاه و تکمیل پرونده، بدون صدور قرار، مجدداً پرونده را به دادگاه ارسال می کند. دادرسی اگر در تحقیقات موردنظر دادگاه ابهامی بیابد، مراتب را برای رفع ابهام از دادگاه استعلام می کند.

ماده ۸۲. در صورت نقض قرار منع تعقیب، دادستان مکلف است کارشناس مشتکی عنه را دعوت و موضوع تخلف را به او توضیح دهد و با اخذ آخرین دفاع و صدور کیفرخواست، پرونده را به دادگاه ارسال نماید.

ماده ۸۳. هرگاه، به علت تخلف نبودن اقدامات کارشناس مشتکی عنه، قرار منع تعقیب صادر و به هر دلیل قطعی شود، نمی توان بار دیگر وی را به همان عنوان تخلف تعقیب کرد. هرگاه به علت فقدان یا عدم کفایت





دلیل، قرار منع تعقیب صادر و در دادسرا قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر کارشناس مشتکی‌عنه را به همان عنوان تخلف تعقیب کرد، مگر پس از کشف دلیل جدید که در این صورت، با نظر دادستان برای یکبار قابل تعقیب است و اگر این قرار در دادگاه قطعی شود، پس از کشف دلیل جدید، به درخواست دادستان، می‌توان او را برای یکبار با اجازه دادگاه برای رسیدگی به تخلف، تعقیب کرد. در صورتی که دادگاه، تعقیب مجدد را تجویز کند، دادستان مطابق مقررات رسیدگی می‌کند.

ماده ۸۴. در کیفرخواست موارد زیر قید می‌شود:

الف. مشخصات کارشناس مشتکی‌عنه، شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شماره ملی، شماره شناسنامه، محل اقامت و وضعیت تأهل او و شماره پروانه کارشناسی.

ب. شماره و تاریخ گزارش کارشناسی مورد شکایت.

پ. نوع تخلف.

ت. ادله انتساب تخلف.

ث. مستند قانونی تخلف.

ج. سابقه محکومیت انتظامی کارشناس مشتکی‌عنه.

تبصره: هرگاه در صدور کیفرخواست، سهو قلم یا اشتباه بین صورت گیرد، تا پیش از ارسال به دادگاه، دادستان آن را اصلاح و پس از ارسال کیفرخواست به دادگاه، موارد اصلاحی آن را به دادگاه اعلام می‌کند.

ماده ۸۵. عنوان تخلفی که در کیفرخواست ذکر می‌شود، مانع از تعیین عنوان صحیح قانونی توسط دادگاه نیست. در صورتی که مجموع اعمال ارتكابی تخلف در نتیجه تحقیقات دادسرا روشن باشد و دادگاه فقط عنوان تخلف را نادرست تشخیص دهد، تخلف جدید را به کارشناس مشتکی‌عنه تفهیم، تا از تخلف انتسابی مطابق مقررات دفاع کند و سپس دادگاه مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

ماده ۸۶. دادستان نمی‌تواند پس از ارسال پرونده به دادگاه از اصل تخلف یا ادله آن عدول و بر این اساس کیفرخواست را مسترد یا اصلاح کند. فقط می‌تواند دلایل جدید له یا علیه کارشناس مشتکی‌عنه را که کشف یا حادث می‌شود به دادگاه اعلام کند.





فصل هشتم - وظایف و اختیارات رئیس شورای عالی در نظارت بر دادسرا

ماده ۸۷. رئیس شورای عالی در اجرای بند ط ماده ۷ قانون، بر کلیه دادسراهای انتظامی نظارت خواهد کرد و به منظور حصول اطمینان از حسن اجرای مقررات می تواند اقدام به بازرسی کند و تذکرات و دستورهای لازم را خطاب به دادسراهای انتظامی مذکور صادر نماید. همچنین وی پیشنهادهای لازم را ارائه می کند.

تبصره ۱: چنانچه رئیس شورای عالی در اجرای وظیفه فوق به موارد تخلف برخورد نماید، حسب مورد مراتب را برای تعقیب قانونی یا هرگونه اقدام لازم به دادسرای انتظامی قضات یا شورای عالی یا هیأت مدیره ذیربط اعلام می کند.

تبصره ۲: کلیه کانون های سراسر کشور مکلفند در اعمال نظارت با رئیس شورای عالی همکاری های لازم را انجام دهند.

ماده ۸۸. رئیس شورای عالی مکلف است در تخلفاتی که موجب زوال وثاقت یا فقدان شرایط موضوع ماده ۱۵ قانون می شود یا ناشی از سوء رفتار یا اعمال منافی با شئون شغلی باشد، مراتب را مستمراً از طریق کانون استان ذیربط، پیگیری و نظارت و گزارش نماید.

بخش سوم - نحوه رسیدگی به تخلف کارشناس مشتکی عنه در دادگاه های انتظامی و صدور رأی

فصل اول - رسیدگی در دادگاه های انتظامی

ماده ۸۹. دادگاه های انتظامی در موارد زیر شروع به رسیدگی می کنند:

الف. کیفرخواست دادستان.

ب. اعتراض شاکی نسبت به قرار منع تعقیب کارشناس مشتکی عنه موضوع قسمت اخیر ماده ۲۱ قانون.

ماده ۹۰. هرگاه پرونده با کیفرخواست به دادگاه ارجاع شود، دادگاه، بدون تعیین وقت رسیدگی، حداکثر ظرف یک ماه، پرونده را بررسی و چنانچه خود را صالح به رسیدگی نداند یا مورد را از موارد منع تعقیب تشخیص دهد، حسب مورد، اتخاذ تصمیم می کند. همچنین در صورتی که دادگاه تحقیقات را ناقص بداند یا موارد جدیدی





پس از پایان تحقیقات کشف شود که مستلزم انجام تحقیق باشد، دادگاه با ذکر دقیق موارد، تکمیل تحقیقات را از دادسرای مربوط درخواست یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات می‌کند.

ماده ۹۱. در غیر موارد مذکور در ماده قبل این آیین رسیدگی، دادگاه با تعیین وقت رسیدگی و ابلاغ آن به شاکی، کارشناس مشتکی‌عنه، دادستان و سایر اشخاصی که باید در دادگاه حاضر شوند، آنان را برای شرکت در جلسه رسیدگی احضار می‌کند. تصویر کیفرخواست برای کارشناس مشتکی‌عنه فرستاده می‌شود.

تبصره ۱: در تمامی جلسات دادگاه انتظامی، دادستان یا معاون او یا یکی از دایاران به تعیین دادستان می‌توانند برای دفاع از کیفرخواست حضور یابند، مگر این که دادگاه حضور این اشخاص را ضروری تشخیص دهد که در این مورد و در تمامی جلسات دادگاه انتظامی، حضور دادستان یا نماینده او الزامی است، لکن عدم حضور این اشخاص موجب توقف رسیدگی نمی‌شود مگر آن که دادگاه حضور آنان را الزامی بداند.

تبصره ۲: احضاریه، به امضای عضو حقوقدان دادگاه خواهد رسید.

ماده ۹۲. فاصله میان ابلاغ احضاریه تا جلسه رسیدگی نباید کمتر از یک هفته باشد. هرگاه کارشناس مشتکی‌عنه عذر موجهی داشته باشد، جلسه رسیدگی به وقت مناسبی موکول می‌شود.

ماده ۹۳. هرگاه کارشناس مشتکی‌عنه بدون عذر موجه حاضر نشود و دادگاه حضور وی را لازم بداند، علت ضرورت حضور در احضاریه ذکر می‌گردد و با قید اینکه عدم حضور، تخلف انتظامی محسوب و جداگانه قابل تعقیب انتظامی است احضار می‌شود. هرگاه کارشناس مشتکی‌عنه بدون عذر موجه حاضر نشود بدون حضور وی رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌شود.

ماده ۹۴. شاکی و کارشناس مشتکی‌عنه می‌توانند با مراجعه به دادگاه و مطالعه پرونده، اطلاعات لازم را تحصیل نمایند و با مجوز رییس دادگاه به هزینه خود از اوراق مورد نیاز، تصویر تهیه کنند.

تبصره: دادن تصویر از اسناد طبقه بندی شده ممنوع است.

ماده ۹۵. هرگونه عکسبرداری یا تصویربرداری یا ضبط صدا از جلسه دادگاه ممنوع است. اما رییس دادگاه می‌تواند دستور دهد تمام یا بخشی از جلسه دادگاه، به صورت صوتی یا تصویری ضبط شود.





فصل دوم - ترتیب رسیدگی

ماده ۹۶. دادگاه پس از تشکیل جلسه و اعلام رسمیت آن، درمورد شخص کارشناس مشتکی عنه به شرح مواد (۶۰) و (۶۱) این آیین رسیدگی اقدام و همچنین به دیگر اشخاصی که در جلسه حضور دارند، اخطار می نماید که در هنگام جلسه دادگاه، برخلاف حقیقت، وجدان، قوانین، ادب، و نزاکت سخن نگویند. آن گاه رسیدگی را شروع می کند.

ماده ۹۷. رسیدگی در دادگاه به صورت توافقی و به ترتیب زیر انجام می شود:

الف. قرائت کیفرخواست توسط دادستان یا نماینده وی؛

ب. استماع اظهارات و دلایل دادستان یا نماینده وی که برای اثبات تخلف انتسابی ارائه می شود؛

پ. استماع اظهارات شاکی که شخصاً یا از سوی وکیل وی بیان می شود؛

ت. پرسش از کارشناس مشتکی عنه راجع به قبول یا ردّ تخلف انتسابی و استماع دفاعیات وی که عیناً در صورت مجلس قید می شود؛

ث. در صورت انکار یا سکوت کارشناس مشتکی عنه یا وجود تردید در صحت اقرار، دادگاه شروع به تحقیقات از وی می کند و اظهارات شهود، کارشناس و اهل خبره ای را که دادستان یا شاکی یا کارشناس مشتکی عنه معرفی می کنند، استماع می نماید.

ج. رسیدگی به سایر ادله ابرازی از سوی طرفین و انجام هر نوع تحقیق و اقدامی که دادگاه برای کشف واقع، ضروری تشخیص می دهد.

ماده ۹۸. هرگاه کارشناس مشتکی عنه به طور صریح اقرار به ارتکاب تخلف کند، به طوری که هیچ گونه شک و شبهه ای در اقرار و نیز تردیدی در صحت و اختیاری بودن آن نباشد، دادگاه به استناد اقرار، رأی صادر می کند.

ماده ۹۹. دادگاه علاوه بر رسیدگی به ادله مندرج در کیفرخواست یا ادله مورد استناد طرفین، هرگونه تحقیق یا اقدامی را که برای کشف حقیقت لازم است با قید جهت ضرورت آن انجام می دهد.

ماده ۱۰۰. هرگاه در حین رسیدگی تخلف دیگری کشف شود که بدون شکایت شاکی قابل تعقیب باشد، دادگاه بدون ایجاد وقفه در جریان رسیدگی، حسب مورد، موضوع را به دادستان اعلام می کند.





ماده ۱۰۱. دادگاه برای شاکی و شاهدی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست یا ناشناخت و قدرت تکلم نداشته باشد به ترتیب مقرر در مواد ۶۷ و ۶۸ این آیین رسیدگی عمل خواهد کرد.

فصل سوم - صدور رأی

ماده ۱۰۲. دادگاه پس از اعلام ختم رسیدگی، با استعانت از خداوند متعال، با تکیه بر شرف و وجدان و با توجه به محتویات پرونده و ادله موجود، در همان جلسه و در صورت عدم امکان در اولین فرصت و حداکثر ظرف یک هفته به انشای رأی مبادرت می کند. رأی دادگاه، مستدل، موجه، و مستند به مواد قانون و اصولی خواهد بود که بر اساس آن صادر شده است.

ماده ۱۰۳. دادگاه، مهلت تجدیدنظرخواهی و مرجع آن را در رأی قید می کند. با توجه به اینکه براساس قانون، کلیه آرای صادره از دادگاه های انتظامی، قابل تجدیدنظر هستند، چنانچه دادگاه انتظامی، آن را غیرقابل تجدیدنظر اعلام کند، این امر مانع تجدیدنظر نیست و حقوق شاکی و مشتکی عنه و هیأت مدیره را نفی نمی کند.

ماده ۱۰۴. رأی دادگاه حداکثر ظرف سه روز کاری از تاریخ انشاء، پاک نویس یا تایپ می شود. این رأی که دادنامه خوانده می شود با نام خداوند متعال شروع و موارد زیر در آن درج شده و به امضای اعضای دادگاه می رسد و به مهر شعبه ممهور می شود:

الف. شماره پرونده، شماره و تاریخ دادنامه و تاریخ صدور رأی؛

ب. مشخصات دادگاه و اعضای صادرکننده رأی و نوع عضویت ایشان؛

پ. مشخصات شاکی و کارشناس مشتکی عنه؛

ت. گردش کار و متن کامل رأی؛

تبصره: پیش از امضای دادنامه، اعلام مفاد و تسلیم رونوشت یا تصویر آن ممنوع است.





ماده ۱۰۵. دادنامه به طرفین و دادستان ابلاغ می‌شود و در صورتی که رأی دادگاه حضوری به طرفین ابلاغ شود، دادن نسخه‌ای از رأی یا تصویر مصدق آن به طرفین با اخذ رسید از ایشان الزامی است. در این صورت ابلاغ مجدد ضرورت ندارد.

تبصره: مدیر دفتر دادگاه مکلف است حداکثر ظرف سه روز کاری پس از امضای دادنامه، آن را برای ابلاغ بفرستد.

ماده ۱۰۶. هرگاه در تنظیم و نوشتن رأی دادگاه سهو قلمی مانند کم یا زیاد شدن کلمه‌ای رخ دهد یا اشتباهی در محاسبه صورت گیرد، چنانچه رأی به علت عدم تجدیدنظرخواهی و انقضای مواعد قانونی، قطعی شود یا هنوز از آن تجدیدنظرخواهی نشده باشد، دادگاه خود یا به درخواست ذی‌نفع یا دادستان، رأی **تصحیحی** صادر می‌کند. رأی تصحیحی نیز ابلاغ می‌شود. تسلیم رونوشت یا تصویر هریک از آراء، جداگانه ممنوع است.

تبصره ۱: با توجه به قابل تجدیدنظر بودن اصل رأی دادگاه تصحیح آن نیز در مدت قانونی، قابل تجدیدنظر خواهد بود.

تبصره ۲: هرگاه رأی اصلی به واسطه تجدیدنظر نقض شود، رأی تصحیحی نیز بی‌اعتبار می‌شود.

فصل چهارم - رد اعضای دادگاه انتظامی

ماده ۱۰۷. جهات رد اعضای دادگاه‌های انتظامی که تا قبل از صدور رأی، قابل ایراد خواهد بود همان موارد رد دادرسان مذکور در ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی است.

تبصره ۱: شکایت انتظامی از اعضای دادگاه، جهت رد محسوب نمی‌شود.

تبصره ۲. دادستان و دادیار نیز باید در صورت وجود جهات رد، از رسیدگی امتناع کنند. شاکی، یا کارشناس مشتکی عنه می‌تواند دادستان یا دادیار را رد و مراتب را به صورت کتبی به او اعلام کنند. در صورت قبول ایراد، دادستان یا دادیار از رسیدگی و مداخله در موضوع خودداری می‌کند و رسیدگی، حسب مورد، به معاون دادستان یا دادیار دیگر محول می‌شود و در غیر این صورت، باید مراتب را مستدلاً صورتجلسه و ضم پرونده نموده و به رسیدگی ادامه دهد.





ماده ۱۰۸. هرگاه نسبت به یکی از اعضای دادگاه ایراد ردّ شود و آن عضو از رسیدگی امتناع کند، دادگاه با حضور عضو دیگر تکمیل می‌شود و مبادرت به رسیدگی می‌کند. چنانچه ایراد ردّ مورد پذیرش قرار نگیرد، همان دادگاه بدون حضور عضو مورد ایراد، به اعتراض رسیدگی و قرار ردّ یا قبول ایراد را صادر می‌کند.

بخش چهارم - اعتراض به آراء

ماده ۱۰۹. اشخاص زیر حق درخواست تجدیدنظر دارند:

الف. کارشناس مشتکی عنه.

ب. شاکی (مستند به رأی وحدت رویه شماره ۶۱۳ مورخ ۱۳۷۵/۱۰/۱۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور) یا وکیل یا نماینده قانونی آن.

پ. هیأت مدیره کانون مربوطه.

ماده ۱۱۰. جهات تجدیدنظرخواهی به شرح زیر است:

الف. ادعای عدم اعتبار ادله یا مدارک استنادی دادگاه؛

ب. ادعای مخالف بودن رأی با قانون؛

پ. ادعای عدم صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی یا وجود یکی از جهات ردّ دادرس؛ و

ت. ادعای عدم توجه دادگاه به ادله ابرازی.

ماده ۱۱۱. تجدیدنظرخواه باید درخواست خود را به دفتر دادگاه صادرکننده رأی نخستین تسلیم کند. دفتر دادگاه باید بلافاصله آن را ثبت کند و رسیدی مشتمل بر نام تجدیدنظرخواه و طرف او، تاریخ تسلیم و شماره ثبت به تقدیم کننده بدهد و همان شماره و تاریخ را در درخواست تجدیدنظر درج کند. تاریخ مزبور تاریخ دریافت تجدیدنظرخواهی محسوب می‌شود.

تبصره: کانون‌های استان، می‌بایستی از هدایت تجدیدنظرخواه برای مراجعه مستقیم به دفتر دادگاه تجدیدنظر خودداری کنند. دفتر دادگاه تجدیدنظر نیز باید از پذیرش مستقیم تقاضای تجدیدنظرخواهی خودداری کند.





ماده ۱۱۲. هرگاه تقاضای تجدیدنظر خارج از مهلت مقرر یک ماهه تقدیم شود و درخواست کننده عذر موجهی عنوان کند، دادگاه صادرکننده رأی نخستین، ابتدا به عذر او رسیدگی می نماید و در صورت موجه شناختن آن، قرار قبولی درخواست و در غیر این صورت قرار رد آن را صادر می کند. جهات عذر موجه همان است که در ماده ۵۸ این آیین رسیدگی مقرر شده است.

ماده ۱۱۳. در صورتی که تجدیدنظرخواهی در مهلت مقرر صورت گیرد، دفتر دادگاه صادرکننده رأی نخستین، بلافاصله یا پس از رفع نقص، پرونده را به دادگاه تجدیدنظر ارسال می کند.

ماده ۱۱۴. هرگاه تجدیدنظرخواه درخواست تجدیدنظر را قبل از ارسال پرونده به دادگاه تجدیدنظر مسترد کند، دادگاه صادرکننده رأی نخستین، قرار رد درخواست تجدیدنظر را صادر می کند. چنانچه پرونده به دادگاه تجدیدنظر ارسال شده باشد، دادگاه تجدیدنظر اقدام مقتضی را معمول خواهد نمود. در صورت استرداد درخواست، تقاضای مجدد پذیرفته نیست.

ماده ۱۱۵. پرونده ها پس از وصول به دادگاه تجدیدنظر به ترتیب در دفتر کل یا در صورت تأسیس واحد رایانه و رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی در این واحد ثبت می شود.

بخش پنجم - اجرای احکام انتظامی

ماده ۱۱۶. اجرای احکام انتظامی برعهده رئیس هیأت مدیره کانون استان مربوطه است.

ماده ۱۱۷. بانک اطلاعات انتظامی کانون هر استان موضوع تبصره ۲ ماده ۲۳ این آیین رسیدگی مشتمل بر احکام صادره براءت و محکومیت و پرونده های در جریان رسیدگی با ذکر مشخصات کارشناسان ذیربط خواهد بود.

تبصره: ترتیب ثبت و تنظیم این اطلاعات و امکان دسترسی به آنها و چگونگی تشکیل و راه اندازی بانک اطلاعات انتظامی، با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی و به موجب شیوه نامه ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این آیین رسیدگی تهیه و به تصویب شورای عالی می رسد.

ماده ۱۱۸. وظیفه رئیس هیأت مدیره در مقام اجرای احکام انتظامی، اعم است از: صدور دستور اجرای احکام لازم الاجراء انتظامی و نظارت بر شیوه اجرای آنها.





ماده ۱۱۹. آراء انتظامی در موارد زیر، پس از ابلاغ، به موقع اجرا گذاشته می شود:

الف. رأیی که در مهلت قانونی نسبت به آن درخواست تجدیدنظر نشده باشد یا درخواست تجدیدنظر آن رد شده باشد؛ و

ب. رأیی که دادگاه تجدیدنظر آن را تأیید یا پس از نقض رأی نخستین صادر کرده باشد.

ماده ۱۲۰. هرگاه رأی در خصوص اشخاص متعدد صادر شده باشد و در موعد مقرر بعضی از آنان اعتراض یا درخواست تجدیدنظر کرده باشند، پس از گذشت مهلت اعتراض یا تجدیدنظر در مورد بقیه لازم الاجراست.

ماده ۱۲۱. عملیات اجرای رأی با دستور رئیس هیأت مدیره شروع می شود و به هیچ وجه متوقف نمی شود، مگر در مواردی که در ماده ۶ این آیین رسیدگی به آن اشاره شده است.

ماده ۱۲۲. رفع ابهام و اجمال از رأی با دادگاه صادرکننده رأی قطعی است، اما رفع اشکالات مربوط به اجرای رأی با رعایت موازین شرعی و قانونی، با رئیس هیأت مدیره است که رأی زیر نظر او اجرا می شود.

ماده ۱۲۳. هرگاه شیوه اجرای رأی در دادنامه تعیین شود، به همان ترتیب اجراء می شود. در صورت عدم تعیین شیوه اجراء، رئیس هیأت مدیره مطابق مقررات قانونی، رأی را اجراء می کند.

ماده ۱۲۴. هرگاه هنگام اجرای حکم معلوم شود محکوم علیه محکومیت های قطعی دیگری داشته است که در رأی دادگاه مؤثر است، رئیس هیأت مدیره پرونده را نزد دادگاه صادرکننده حکم می فرستد. در این صورت، چنانچه دادگاه، محکومیت های سابق را محرز دانست، مطابق مقررات اقدام می کند.

بخش ششم - ترتیب رسیدگی به شکایات واصله علیه اعضای هیأت مدیره، دادستان و بازرسان کانون استان ها

ماده ۱۲۵. مطابق تبصره ذیل ماده ۲۱ قانون، و ماده ۶۷ آیین نامه اجرایی، مرجع رسیدگی به شکایات واصله در خصوص اعضای هیأت مدیره و دادستان و بازرسان کانون استان ها، دادسرای انتظامی قضات است.

ماده ۱۲۶. چنانچه شکایت های واصله علیه احد از ارکان مذکور در ماده قبل، مربوط به دوره رکنیت آنان باشد، در دبیرخانه استان ثبت و با رعایت مواد ۷ و ۸ این آیین رسیدگی، پرونده به قید فوریت به نظر رئیس هیأت مدیره می رسد.





تبصره: در مواردی که عضو رکن مذکور، به لحاظ عضویت در یک هیئت کارشناسی مورد شکایت قرار گرفته باشد، پرونده وی به تفکیک تشکیل شده و پرونده شکایت علیه دیگر اعضای غیررکن وفق مقررات بخش‌های پیشین این آیین‌رسانه رسیدگی، در جریان رسیدگی قرار خواهد گرفت.

ماده ۱۲۷. رئیس هیأت مدیره، بلافاصله شکایت واصله را به عضو رکن ابلاغ می‌کند و اوراق پرونده را در اجرای ماده ۶۷ آیین‌نامه اجرایی به شورای عالی می‌فرستد.

ماده ۱۲۸. رئیس شورای عالی پس از وصول سوابق موضوع ماده قبل، آن را به کمیسیون حقوقی ارجاع می‌دهد تا بررسی‌های لازم را در خصوص شکایت مطروحه به عمل آورد. در صورتی که شکایت مذکور راجع به وظایف کارشناسی تشخیص داده شود، در اجرای ماده ۶۷ آیین‌نامه اجرایی، سوابق امر مشتمل بر اقدامات تکمیلی کمیسیون حقوقی و اخذ لایحه دفاعیه عضو رکن مذکور به دادسرای انتظامی قضات ارسال خواهد شد. سوابق مرتبط با اعضای غیررکن نیز به محض اتخاذ تصمیم دادگاه انتظامی، جهت بهره‌برداری در رسیدگی به تخلف عضو رکن به دادسرای انتظامی قضات ارسال خواهد شد.

تبصره: در صورتی که شکایت مطروحه علیه عضو رکن مربوط به وظایف اداری و سازمانی وی باشد مراتب به شورای عالی منعکس و گزارش خواهد شد.

این آیین‌رسانه رسیدگی مشتمل بر ۱۲۸ ماده و ۴۱ تبصره در جلسه مورخ ۱۳/۰۹/۱۴۰۰ شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری به تصویب رسیده و یک ماه پس از ابلاغ، طبق تبصره ۲ ماده ۷ قانون و ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی برای کلیه کانون‌های کشور و مراجع مربوط لازم‌الرعایه است.

